نگاه

شطرنج سیاسی خاورمیانه و ویژگی‌های ایران

احمد عظیمی‌بلوریان ، پژوهشگر

منطقه خاورمیانه یک بخش عمده آن که آسیای غربی است، از دوران باستان تاکنون، همواره صحنه رقابت‌های شدید و جنگ و چپاول مهاجمان داخلی و خارجی بوده است. مرزهای میان کشورهای این منطقه به‌دلیل دوستی و همکاری تنظیم‌نشده، بلکه تنازع و رقابت و جنگ و دشمنی است. از جالب‌ترین پدیده‌های دیگر خاورمیانه، ظهور و ماندگاری ادیان در این منطقه است. از رقم ۱۲۴ هزار پیامبر که در روایات مذهبی به آن اشاره می‌شود، شاید بدون اغراق، به جز چند نفر آنها، عمدتا از این منطقه برخاسته‌اند که طبق روایات اسلامی، نخستین پیامبر حضرت آدم (ع) و آخرین آنها حضرت رسول اکرم(ص) بوده است. آنچه ضروری است گفته شود، این است که بیشتر ادیان در همین منطقه خاورمیانه، به‌ویژه در راستای هلال حاصلخیز از شمال خلیج‌فارس تا دریای مدیترانه دربرگیرنده کشورهای کنونی ایران، عراق، عربستان، یمن، عمان، سوریه، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی، غرب ترکیه و شرق یونان و مصر و احتمالا قبرس شکل گرفته‌اند. در اینجا نباری نیست از جایگاه ادیان چین و هند و آسیای شرقی در زمینه ظهور ادیان سخنی گفته شود. ادیان مسیحی و یهودی را راه مهاجرت با تبلیغ، از شرق به اروپا و قاره آمریکا صادر شدند. سپس مسیحیت غربی در جنگ‌های صلیبی به زادگاه خود، اما با چهره‌ای متفاوت بازگشت. مغولان و تیموریان با قبول اسلام، از آن برای سلطه بر ایرانس و همه کشورهای غربی استفاده کرده و با ایجاد امپراتوری عثمانی همه کشورهای عرب را در یک دوره ۶۰۰ساله به صورت مستعمره خود درآوردند. دین و مذهب در هرکجا ظهور کرده، با باورها و سنت‌های محلی ممزوج شده است. ایرانیان به بزرگداشت از پیشوایان تاریخی خود مشهورند. این بزرگداشت در ساخت بارگاه و مرقد پیشوایان دینی در فرهنگ ایرانیان متجلی است. مثلا اگر روزی و روزگاری مزار ایران و عربستان تفاهمی برای اداره اماکن مقدسه اسلامی به مدیریت ایرانیان به دست آید، بدون تردید می‌توان گفت قبرستان بقیع از نجف مجدد و خنک کنونی به صورت «به ردیسی» از آرامگاه‌های (حرم‌های) باشکوه اسلامی ماند کربلا، نجف، کاظمین، مشهد، قم و شیراز در خواهد آمد. بر عکس، اگر خدای نکرده اماکن مقدسه اسلامی در عراق به دست محاربانی تکفیری که هم‌اکنون در آن منطقه علیه دولت عراق می‌جنگند بیفتد، احتمال صدمه‌دیدن این اماکن بسیار زیاد است. همین نفوذی که غربی‌ها امروز در فرهنگ شیخ‌نشینان خلیج‌فارس و عربستان دارند - ازجمله برج‌ها و آسمان‌خراش‌های آنها که به صورت ارزانی در امارات و قطر می‌سازند - در گذشته‌های دورنیست نیز داشته‌اند. اگر نفل‌قول ابن‌بطوطه را بپذیریم، شرایط ساده بی‌آلایش عزیزترین مسجد جهان اسلام در مدینه در دوره خلافت ولیدبن‌عبدالملک با استفاده از فرهنگ معماری روم مدرنیزه شد. به این ترتیب که ولیدبن‌عبدالملک به امپراتور مسیحی روم پیام فرستاد که «من می‌خواهم مسجد پیامبر خودمان را تعمیر کنم و تو مرا در این کار یاری کن». قیصر روم گروهی مهندس و کارگر فنی با ۸۰۰ هزار مثقال طلا برای این منظور به مدینه فرستاد که با آن خانه‌های اطراف مسجد را خریدند و به‌این‌ترتیب موجبات توسعه مسجد را به شکلی که امروز هست، فراهم کردند. در همه دوره‌های هجوم بربرهای اروپایی که نیروی دریایی خود را به قصد چپاول به خلیج‌فارس می‌فرستادند، شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس در خدمتشان بودند و نیازهای خدماتی آنها را تأمین می‌کردند. امروز که شیخ‌نشین‌ها به برکت فروش نفت و گاز به ثروت‌های هنگفت و نجومی دست یافته‌اند، نه‌تنها مشوق آمدن غربی‌ها و اقامت‌گزیدن و استقلال آنها در خلیج‌فارس شده‌اند، بلکه به دستور دولت انگلیس، کنوانسیون امارات متحده عربی را در برابر ایران تشکیل داده‌اند که اکنون کنترل آن به دست آمریکا افتاده است اگرچه با نمایشی که به‌تازگی خنث‌سازیِ انگلیس در مسافرت به امارات ترتیب داد و همه بزرگان شیخ‌نشین‌ها را در دو سوی خود به صف کشید، هنوز سهمی از قدرت در این منطقه را مطالبه می‌کند. بازی امارات بیا دلار و در بازار مبادله دلار که موجب افزایش قیمت آن در ایران شده است، نیز شاید واکنشی از سوی آنها نسبت به شکست عربستان در حلب باشد. پیش از تشکیل این کنوانسیون امپراتوری‌های خلیج‌فارس بیشتر باهم دشمن و رقیب بودند تا دوست. این یک سوی قضیه است. سوی دیگر آن ورود بچه‌پولدارهای امارات به خدمات خون‌گذرانی و عرشتگذاری است.

تسهیلات کالاهای عمده در قدیم میان اروپا و خاور دور علاوه بر جاده ابریشم، از مسیر مدیترانه و اورندرود و خلیج‌فارس صورت می‌گرفته و این تجارت موجد علاقه‌ای اعراب به غربی‌ها بوده است. امروز هم این جاده و خط‌ها هیچ تفاوتی نکرده جز اینکه پول نفت و گاز به علاقه غربی‌ها نسبت به این منطقه افزوده است. دیدن تصاویر شهرهای ویران‌شده در این منطقه، غربی‌ها را به وجد می‌آورد. پیش‌بینی بازسازی شهرها، زیرساخت‌ها و خدمات در این منطقه ویران‌شده حوزه‌براتگیر است. از دید سیاسی و قدرت‌نمایی های بین‌المللی، منطقه خاورمیانه جولانگاه قدرت‌های غربی بوده و هست. پیش‌بینی اینکه در آینده چه خواهد شد، آسان نیست. این منطقه ماندن یک بل بزرگ در اتصال بازرگانی شرق و غرب هند جنگ‌های ۷۰۰ساله میان ایران و روم و تلاش مدام رومی‌ها برای ماندن در جنوب قفقاز به نهایه حمایت از ارمنستان مسیحی جزو خاطره‌ها محو نشده است. حمایت رومی‌ها از مسیحیت در ارمنستان فقط یک بهانه بود. حوز آنها مسیحیت را در منطقه خاورمیانه گرفته بودند. اما تا همین اواخر از مسیونرهای مذهبی برای نفوذ در ایران و کشورهای اطراف استفاده می‌شد. اختلاف میان شیعه و سنی چیزی است که انگلیس‌ها در صد سال گذشته به آن دامن زده و از آن بهره‌برداری کرده‌اند. حضور غربی‌ها و دخالت آنها در منطقه خاورمیانه نه‌تنها در طول زمان کم نشده، بلکه افزایش یافته است. امروز همه ما شاهد هستیم تانکو (یعنی آمریکا و همه کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) به صورت نیروی جنگی از دره بنجشیر در دورترین نقطه افغانستان تا بمن مصرف دارد. ترکیه، همسایه ایران خود عضوی از ناتو است و سال‌های‌سال متقاضی ورود به اتحادیه اروپا بوده است. غرب مسلما از گسترش اتحادیه اروپا استقبال می‌کند. اما ترکیه استانبول. ترکیه هم یک کشور مسلمان است و هم اگر به اتحادیه اروپا بپیوندد، جوانان گرسنه ترکیه یک شبه تا دورترین نقطه اروپا برای یافتن کار خواهند رفت که این امر تعادل دستمزدهای اتحادیه را به هم خواهد زد. پایگاه هوایی اینجرلیک ترکیه در اختیار آمریکاست. اسرائیل دوست متحد آمریکاست و به قول جاسنگ - که خود یک یهودی است - اسرائیل اهم نفوذ آمریکا در خاورمیانه است. متحدشدن امارات با عنوان «امارات عربی متحده» در مقابله با نفوذ ایران صورت گرفته است که در بالا به آن اشاره شد. عربستان که جای خود دارد. حضور آمریکا همراه با عربستان در صحنه جنگ یمن یک واقعیت در برابر چشم ماست. پایگاه‌های نیروی دریایی آمریکا و انگلیس در بحرین نمونه دیگری از حضور دائمی این دو قدرت در خلیج‌فارس است. خبرگزاری الجزیره اسمها متعلق به قطر است اما کلا به‌وسیله آمریکا تأمین و اداره می‌شود و به احتمال زیاد، دونالد ترامپ در سرمایه‌گزاری آن نقش دارد.

ادامه از صفحه ۱۰

شطرنج سیاسی خاورمیانه و ویژگی‌های ایران

مهم مرزهای سیاسی جداکننده کشورهای خاورمیانه را غربی‌ها برای مردم خاورمیانه ترسیم کرده‌اند. مرزهای ایران را عمدتا قبل از دوره قاجار برای ما ترسیم کرده و مرزهای شمالی ایران در دوره فرمانروایی ایل قاجار ازسوی روسیه با هماهنگی انگلیس به ما تحمیل شده‌اند. جدایی ایران از منطقه حرات در زمانی از سوی انگلیس بر ایران تحمیل شد که هندوستان مستعمره انگلیس بود. حفاظت از آن در برابر ایران و جلوگیری از حمله روسیه به هند، یک حدث استراتژیک برای دولت‌های وقت در انگلستان بود.

در چنین شرایط و صحنه پیچیده‌ای، انتظار مقامات ایران برای توقف قانون موسوم به ایسا (قانون تحریم ایران که در سال ۱۹۹۶ در زمان ریاست‌جمهوری کلینتون به تصویب رسید)، شاید تنفق نیاید. اگرچه هم در ایران و هم در میان ایرانیان مقیم آمریکا کسانی هستند که پیروزی جمهوری‌خواهان را از دید منافع ملی ایران به خلل نیک می‌کنند. اما به توجه به تشدید روحیه امپراتوری‌خواهی در میان جمهوری‌خواهان و یکپارچگی بی‌بدیل کنگره و کاخ سفید، شاید روحیه تهاجمی آمریکا با ورود ترامپ به کاخ سفید تقویت شود. زمینه رویداد جنگ جهانی سوم نیز این روزها به گوش می‌رسد. چرچیلترین لقمه برای بازی قدرت‌ها و رادانداختن جنگ و تقسیم مناطق حاصله از آن همین منطقه خاورمیانه است. حاصل این جنگ باز هم غارت ثروت سرشار خاورمیانه و تقسیم کشورهای بزرگ آن به واحدهای کوچک‌تر است. بازی با کشورهای کوچک‌تر، آسان‌تر از مبارزه با کشورهای بزرگ‌تر و قوی‌تر است. این بار هم مانند گذشته‌های دوردست، ایران شاید تنها قدرت منطقه‌ای و مقاوم در برابر غرب است. عربستان، ترکیه، مصر و پاکستان با تفاوت کمی متمایل به انگلیس و غرب هستند و از اظهار همدلی با غرب ابایی ندارند. نامزدی جیمز ماتیس به عنوان وزیر دفاع آمریکا کار را حساس‌تر کرده است. اگرچه طبق سنت ایالات متحده، وزیر دفاع باید غیرنظامی باشد که بتواند مانع زیاده‌روی نیروهای مسلح آمریکا شود، اما ترامپ با روحیه‌ای که دارد، این سنت پسندیده را کنار گذاشته و ترسی از کنکره ندارد. زیرا کنگره در سلطه جمهوری‌خواهان است. مگر اینکه در زمان رسیدن‌بافتن دود جدید معجزه‌ای رخ دهد. دشمنی جیمز ماتیس با دولت جمهوری اسلامی ایران ورد زبان همه خبرگزاری‌هاست. حتی اگر آمریکا در خاورمیانه یک جنگ علنی مانند جنگ جهانی دوم به راه بیندازد، به نظر می‌رسد تاکتیک بمباران هدف‌های خود را در مقابله با بمباران هیروشیما تغییر دهد و از عوامل نیابتی در منطقه - که یکی مهم آنم دارد و دیگری پول- استفاده کند.

پیش‌بینی رفتار ترامپ در بازی شطرنج خاورمیانه به چند دلیل آسان نیست: نخست اینکه برخی از گفته‌های ترامپ از پیش از انتخابات تا به امروز ۱۸۰ درجه تغییر کرده‌اند. دوم اینکه اگر قرار باشد ما برای تشخیص روحیه ترامپ، روحیه و باورهای معاصران و دوستان او را ملاک عمل قرار دهیم (اگرمی‌خواهی کسی را بشناسی به دوستان و اطرافیان او نگاه کن)، کسانی را که تاکنون برای کابینه یا پست‌های دولتی خود برگزیده است، از دید مصالح جمهوری اسلامی ایران زیاد مطلوب نیستند. سوم اینکه ترامپ در شمار قمارباز توجهی از کشورهای منطقه خاورمیانه علائق شخصی دارد که پیش از این گفته شد.

درست است نفوذ و قدرت غرب در خاورمیانه امروز بیش از هر زمانی است. اما نباید فراموش کنیم در مقابل غربی است و دوم، توانست پشت انگلیس را که یک ابرقدرت جهانی بود به خاک بمالد. اگر پس از مالی‌شدن نفت، مقدمات سقوط دکتر مصدق فراهم شد، به دلیل یکپارچه‌نبودن نظام حکومتی ایران بود. بایستگی خوانی دکتر مصدق به سلسله قاجار و نفرت طبیعی وی از پهلوی‌های تازه‌به‌دوران‌رسیده، به این دوگانگی در حکومت کمک کرده بود. هرکس به راه خود می‌رفت: نه حکومت یکپارچه بود و نه دولت. بقایای نیروهای دولت فخیمه را یکپارچه کرد. از آن زمان تاکنون، قدرت انگلستان در جهان تنزل یافته است. درعوض، ایران برای خود سری در میان سرماست. اما ما نباید مغرورانه عمل کنیم. بسیاری چیزها هست که می‌تواند به ما کمک کند. برخی از راه درس‌گرفتن از تجربه دیگران به دست می‌آید. برای مثال، آمریکا، انگلیس و شوروی در جنگ جهانی دوم در برابر آلمان نازی متحد شدند. اما پس از جنگ با تشکیل سازمان سنتو و سیاتو رامحاصره کردند. اروپا، روسیه و چین درحال‌حاضر هنوز دقیقا نمی‌دانند چگونه با ترامپ برخورد کنند. اما بدون تردید در اتاق‌های درسته فکری به رایزنی مشغولند. به ما لحاظ برخورد با جهان تا اندازه‌ای شبیه‌ایرانیان خواهد هستیم. حرکت و نحوه عمل دشمن می‌تواند برای مسئولان ایرانی آموزنده باشد. در همین ایالات متحده، همه کارمندان دولت حق دارند در انتخابات محلی، استانی و ملی به کاندیدای مورد نظر خود رای دهند و حتی به انتخابات کنگره ممکن می‌شوند. اما در موضع دولتی و در محیط اداری اجازه اظهارنظر در بازرگانی سیاسی را ندارند. اگر کسی در دولت- از موضع کارمند تا مقامات بالا- حرف سیاسی بزند بلافاصله عزل می‌شود. تذکر و اخراج قرار می‌گیرد. در ایران هرکسی که صبح از خواب برمی‌خیزد، به هر شکلی که بخواهد اظهارنظر می‌کند. این اظهارنظرها بلافاصله در شبکه‌های ارتباطی بازتاب می‌یابند. در انتخابات هشت سال گذشته آمریکا، انتخاب یک سیاهپوست، آن هم فردی یک مسلمان، از نوادر رویدادهای سیاسی در تاریخ آمریکا و حوادث تلخ ۱۰ساله سیاهپوستان و تحقق رؤیای مارتین لوترکینگ بود و او تلاش کرد نشان دهد برخورد فیزیکی و جنگیدن همیشه بهترین راه‌حل نیست. استاد سخن سعدی به زامدارن نصیحت می‌کند با دشمن قوی‌پنجه درنیفتند، اما نمی‌گوید از حق خود بگذرند. حتی در جنگیدن هم استفاده از تاکتیک به حصول نتیجه بهتر کمک می‌کند. در رابطه با آمریکا و حل اختلافات باید به یک نکته مهم که از افکار عمومی به دور مانده توجه کنند. فرانسه آمریکا در کل - و ایالات متحده به طور مشخص- یک سرزمین مهاجرپذیر است و زندگی اقتصادی و غنای فرهنگی آن بر همین اصل مهاجرپذیری شکل گرفته است. کشوری که مهاجرپذیر است برای مردم دنیا و هر کشور دیگر دنیا یک حق نانوشته به وجود می‌آورد. یعنی هر کشور دیگر دنیا نسبت به مهاجر بودن حق مهاجرت به خاورمیانه را ندارد. اما در آمریکا چنین حقی دارد. ایران از این قاعده مستثنا نیست. به عبارت دیگر، ایرانیان حق دارند از امکانات آمریکا برای کار و زندگی برخوردار شوند. اختلافات کوتاه‌مدت میان دولت‌ها نباید به حقوق بلندمدت مردم آنها خدشه وارد کند. فراموش نکنیم ایران یک کشور باستانی است و حق زیادی در متمدن‌کردن دنیا دارد. بالاترین ویژگی مردم این منطقه «معنویت» است که درست نقطه مقابل «مادیت» فرهنگ غربی است و دوم، آشنایی ما با اصول دیپلماتیک و مبارزه سیاسی خاورمیانه ویژگی‌هایی در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که می‌تواند به حل مشکلات ایران کمک کند.

حامد طیبی

هزینه استفاده جریان رقیب از حربه رد صلاحیت، سنگین است

محمد هاشمی رفسنجانی در گفت‌وگو با «شرق»

فضای سیاسی از سوی یک جریان خاص، به سمت تندشدن می‌رود. این درحالی است که اصلاح‌طلبان و دولت در چند سال اخیر تلاش کرده‌اند اجازه ندهند شرایط کشور و رقابت‌های سیاسی به سمتی برود که جریان بادشده می‌خواهد. با وجود اینکه هنوز چهار سال از دوران محمود احمدی‌نژاد و شرایطی که بر فرهنگ، سیاست، اقتصاد، دیپلماسی و جامعه حاکم بود، دامنگیر ما است، جریان خاص امیدوار است بتواند آن روزها را از حافظه مردم پاک کرده و روحانی را رئیس‌جمهوری یک‌دوره‌ای ایران لقب بدهد. آن بعضا به انتخابات ششم ریاست‌جمهوری اشاره می‌کنند که آرای آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نسبت به انتخابات ریاست‌جمهوری پنجم در سال ۶۸، کاهش یافت و امیدوارند اگر نمی‌توانند روحانی را شکست دهند، دست‌کم آرای او را کاهش دهند. «شرق» این استراتژی را با محمد هاشمی‌رفسنجانی در میان گذاشته است. رئیس سازمان صدا و سیما در دهه ۶۰، از جمله فعالان سیاسی است که به میانه‌روی در مواضع مشهور است، برادر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که تا چند سال پیش، دبیر سیاسی حزب کارگزاران سازندگی بود. درگفت‌وگو با «شرق»، به احتمالات پیش‌روی اصلاح‌طلبان و اعتدالیون تا انتخابات ریاست‌جمهوری می‌پردازد.

معمول این است که روسای‌جمهوری در ایران دوره‌دوره هستند. به نظر شما چرا حجم احساسی و عواطفی درباره نامزدی ریاست‌جمهوری در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده، تا این حد افزایش یافته است؟

فکر می‌کنم طرح این نوع مباحث، بیشتر یک عملیات روانی است. جریان مقابل آقای روحانی به دلیل دسترسی‌هایی که دارند، از وضعیت جامعه و نظرسنجی‌ها اطلاع دارند. برای آنان روشن است که ایشان در انتخابات آینده رای می‌آورد و آنها در این انتخابات نمی‌توانند موفق شوند. به‌این‌دلیل کار روانی می‌کنند که هم روی جامعه اثر بگذارند و هم آقای رئیس‌جمهوری و حامیان دکتر روحانی را دلسرد کنند.

چه دلیلی برای پیش‌بینی بیروزی دکتر روحانی در انتخابات آینده دارید؟

فهم سیاسی مردم بالاست و این را بارها در سال‌های اخیر ثابت کرده‌اند. آنان عملکرد دولت را در سه‌سال‌ونیم گذشته با توجه به تنگناها و مسائلی که داشته تا حدی می‌دانند. به همین‌دلیل ظرف مقابل تلاش می‌کند پیش از انتخابات، کار را تمام کند؛ چون در جریان انتخابات، شانسی ندارد. کسانی که در جریان رقیب مطرح هستند و بعضا از آنان در رسانه‌ها نام برده می‌شود یا خودشان اظهارنظرهایی دارند، همتای آقای روحانی نیستند و در برابر ایران رای دخرقوتچی‌هایی دارند. مشکل اساسی رقیب این است که همه جورهایی که دست‌کم رایی در جامعه دارند، در گذشته هم خود را در معرض انتخاب مردم قرار داده و به‌دلیل میزان رای‌آوری آنها جفت است.

موضوع رد صلاحیت از جمله موضوعاتی است که زیاد درباره آن شنیده می‌شود. با توجه به اینکه پیش‌ازاین هم، غافلگیری‌هایی در جریان بررسی صلاحیت‌ها در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری رخ داده است، چقدر احتمال می‌دهید این زمینه‌ها به واقعیت منجر شود؟

مگر در انتخابات سال ۹۲ نوانستند با ابید جند کاندیدا به نتیجه برسند؟ آن روزها آنها همگی به سیاست‌های نیروهای اصلاح‌طلب و معتدل حمله کردند. اتفاقا مشکل آنان، نرسیدن به اجماع است وگرنه دوست دارند به یک کاندیدا برسند. من به لحاظ شخصی اصل این حرکت را مناسب نمی‌دانم. مناظره‌ها ممکن است برای افراد رای درست کند اما وقتی از حریم‌ها عبور می‌کنند و به تخریب و شکستن حرمت افراد و کرامت انسانی می‌پردازند و کارشناس غیروقافی می‌دهند، اصل بهره آن را دشمن می‌برد و علیه نظام جمهوری اسلامی از آن استفاده می‌کنند. مناظره اگر برای تخطئه و تخریب باشد، از نظر من حکم شرعی ندارد چون در شرع هم به پرهیز از تهمت و افترا و دروغ تاکید شده و اینها از کناهان کبیره است. مناظره به این سبک را به این دلیل شخصا مردود می‌دانم چراکه بیش از آنکه به صورت جریانی خاص باشد، به صورت نظام و مردم است. کمااینکه در مناظره سال ۸۸ احمدی‌نژاد وقتی از آن اتهامات بی‌اساس را به مقامات نظام زد، بلافاصله بی‌نصدر در پاریس از آن استقبال کرد و کفت ما سال‌ها کفتیم اینها هستند اما الان مجلس خبرگان رهبری و... به اندازه‌ای سنگین است که نمی‌توان از رد صلاحیت ایشان سخن گفت. دکتر روحانی صلاحیت اخلاقی، تخصصی، رفتاری، شرعی و... را دارد؛ اما به‌هرحال موضوع صلاحیت، ابزاری است که پیش‌ازاین هم استفاده شده است. متاسفانه یک جریان سیاسی در کشور به جای آنکه بر ظرفیت‌های درونی خود و فهمیدن نیاز جامعه و دلایل ابطال‌نداشتن به آنان کار و برنامه‌ریزی کند، دل به رد صلاحیت رقبای رای‌آور خود بسته است. این حربه‌ای است که در اختیار آنان قرار دارد؛ همان‌طور که با آقای هاشمی که از جایگاه بسیار بالایی در نظام برخوردار هستند، چنین کردند. آقای هاشمی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و منصوب مقام معظم رهبری است. ایشان به‌نوعی شناسنامه نظام به شمار می‌روند و هر مسئولیتی که داشته‌اند به نحوی است که خدمات ارزنده داده و باور امام و رهبری بوده است؛ اما به شکل عجیبی مسئله سنّی را برای ردصلاحیت ایشان در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته عنوان کردند و این نوع مسائل در انتخابات دیگری هم اتفاق افتاده است؛ به‌هرحال یک چهره سیاسی و یک تشکل و جناح فراگیر، باید هر احتمالی را در نظر بگیرد و دراین‌باره هم ممکن است رقیب از آخرین ابزار استفاده کند. من شبیه‌ام برای این‌کار در جبهه اصلاح‌طلبان و اعتدالیون، پیش‌بینی‌ها و تدابیری اندیشیده شده است؛ مثلا اینکه اشخاص وارد شرایط و شاخصی همراه با آقای روحانی ثبت‌نام کنند که اگر حواداتی خارج از شرایط معمول اتفاق بیفتد، طرف مقابل نتواند به مقصود خود برسد. اجرای اولین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی بعد از انقلاب در این دولت انجام گرفته بود و سیاست بار اقتصادی و وضع قوانین ضدانحصار از جمله اقداماتی بود که هاشمی در دولت نخستش آنها را سلوحه امور اجرائی قرار داده بود. براساس آنچه در کتاب خاطرات آیت‌الله هاشمی آمده و البته صاحب‌نظران حوزه سیاست روایات می‌کنند، از مهمترین دغدغه‌های پیش‌روی این دولت بازسازی کشور بعد از جنگ هشت‌ساله بود که نیاز بود در اسرع وقت بازسازی شوند. چنین هم بود که میزان بودجه عمرانی در دولت پنجم به‌طور چشمگیری نسبت به سایر فعالیت‌های دولت افزایش پیدا کرد و شاید همین مسئله و البته شدت ویرانی‌های پس از جنگ موجب بروز کسری بودجه فاحلی توجه در دولت اول سازندگی شد. کفته می‌شود آیت‌الله هاشمی سعی کرد برای برقراری تعادل در کابینه طیف‌های کوناکون را در کنار هم قرار دهد و همین هم بود که لابد سیدمحمد خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد شد و علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه. مصطفی معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی شد و محمد سعیدی‌کیا، وزیر راه و ترابری. عبدالله نوری وزیر کشور بود و علی فلاحیان، وزیر اطلاعات. یونس اولیا به‌علاوه تورم بالایی که در جامعه به دلیل اجرای سیاست‌های تعدیل، نرخ ارز و واهمه‌ای که گرفته شد و مسائلی از دست وجود داشت؛ همه‌وهمه دستاوزی بود تا مخالفان توسعه اقتصادی و هاشمی و دولت تکوکراتش مبنی کاهش آرای آن در انتخابات سال ۹۲ داشته باشند چون باورشان نسبت به آقای هاشمی ایجاد شده بود، به راحتی‌ها بتوان از صحنه به در کرد. برهمین‌اساس هم بود که درست در زمانی که هاشمی می‌رفت تا در بهار ۷۲ با درگیر شاسی خود را برای انتخابات بیازماید رقبا و مخالفانش بر موج همین توم بالا سوار شدند و از کاهش آرای وی سخن گفتند. رقبای آن روزهای هاشمی که البته احتمال زیادی وجود دارد که اصولگرایان از استراتژی چند کاندیدایی استفاده کنند تا انتخابات را به‌دور دوم بکشانند.

تکرار آزموده‌را دوباره آنچه تاریخ

ایس ماجرا، داستانی تکراری است؛ داستانی که درست ۲۳ سال قبل هم اتفاق افتاد؛ همان زمانی که هاشمی‌رفسنجانی می‌رفت تا در انتخابات ریاست‌جمهوری ششم هم کاندیدا شود تا بتواند دولت سازندگی را در دور دوم هم ادامه دهد؛ دولتی که در روزهای سخت پس از جنگ بر سرکار آمده بود و کشوری را تحویل گرفته بود که روزهای بسیار پیش‌نابنیو و دشواری را از سر گذرانده بود و از برنامه‌های توسعه وعده داده‌شده در ایام پیروزی انقلاب، به‌طور جدی عقب افتاده بود. اجرای اولین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی بعد از انقلاب در این دولت انجام گرفته بود و سیاست بار اقتصادی و وضع قوانین ضدانحصار از جمله اقداماتی بود که هاشمی در دولت نخستش آنها را سلوحه امور اجرائی قرار داده بود. براساس آنچه در کتاب خاطرات آیت‌الله هاشمی آمده و البته صاحب‌نظران حوزه سیاست روایات می‌کنند، از مهمترین دغدغه‌های پیش‌روی این دولت بازسازی کشور بعد از جنگ هشت‌ساله بود که نیاز بود در اسرع وقت بازسازی شوند. چنین هم بود که میزان بودجه عمرانی در دولت پنجم به‌طور چشمگیری نسبت به سایر فعالیت‌های دولت افزایش پیدا کرد و شاید همین مسئله و البته شدت ویرانی‌های پس از جنگ موجب بروز کسری بودجه فاحلی توجه در دولت اول سازندگی شد. کفته می‌شود آیت‌الله هاشمی سعی کرد برای برقراری تعادل در کابینه طیف‌های کوناکون را در کنار هم قرار دهد و همین هم بود که لابد سیدمحمد خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد شد و علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه. مصطفی معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی شد و محمد سعیدی‌کیا، وزیر راه و ترابری. عبدالله نوری وزیر کشور بود و علی فلاحیان، وزیر اطلاعات. یونس اولیا به‌علاوه تورم بالایی که در جامعه به دلیل اجرای سیاست‌های تعدیل، نرخ ارز و واهمه‌ای که گرفته شد و مسائلی از دست وجود داشت؛ همه‌وهمه دستاوزی بود تا مخالفان توسعه اقتصادی و هاشمی و دولت تکوکراتش مبنی کاهش آرای آن در انتخابات سال ۹۲ داشته باشند چون باورشان نسبت به آقای هاشمی ایجاد شده بود، به راحتی‌ها بتوان از صحنه به در کرد. برهمین‌اساس هم بود که درست در زمانی که هاشمی می‌رفت تا در بهار ۷۲ با درگیر شاسی خود را برای انتخابات بیازماید رقبا و مخالفانش بر موج همین توم بالا سوار شدند و از کاهش آرای وی سخن گفتند. رقبای آن روزهای هاشمی که البته احتمال زیادی وجود دارد که اصولگرایان از استراتژی چند کاندیدایی استفاده کنند تا انتخابات را به‌دور دوم بکشانند.

تکرار آزموده‌را دوباره آنچه تاریخ

ایس ماجرا، داستانی تکراری است؛ داستانی که درست ۲۳ سال قبل هم اتفاق افتاد؛ همان زمانی که هاشمی‌رفسنجانی می‌رفت تا در انتخابات ریاست‌جمهوری ششم هم کاندیدا شود تا بتواند دولت سازندگی را در دور دوم هم ادامه دهد؛ دولتی که در روزهای سخت پس از جنگ بر سرکار آمده بود و کشوری را تحویل گرفته بود که روزهای بسیار پیش‌نابنیو و دشواری را از سر گذرانده بود و از برنامه‌های توسعه وعده داده‌شده در ایام پیروزی انقلاب، به‌طور جدی عقب افتاده بود. اجرای اولین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی بعد از انقلاب در این دولت انجام گرفته بود و سیاست بار اقتصادی و وضع قوانین ضدانحصار از جمله اقداماتی بود که هاشمی در دولت نخستش آنها را سلوحه امور اجرائی قرار داده بود. براساس آنچه در کتاب خاطرات آیت‌الله هاشمی آمده و البته صاحب‌نظران حوزه سیاست روایات می‌کنند، از مهمترین دغدغه‌های پیش‌روی این دولت بازسازی کشور بعد از جنگ هشت‌ساله بود که نیاز بود در اسرع وقت بازسازی شوند. چنین هم بود که میزان بودجه عمرانی در دولت پنجم به‌طور چشمگیری نسبت به سایر فعالیت‌های دولت افزایش پیدا کرد و شاید همین مسئله و البته شدت ویرانی‌های پس از جنگ موجب بروز کسری بودجه فاحلی توجه در دولت اول سازندگی شد. کفته می‌شود آیت‌الله هاشمی سعی کرد برای برقراری تعادل در کابینه طیف‌های کوناکون را در کنار هم قرار دهد و همین هم بود که لابد سیدمحمد خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد شد و علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه. مصطفی معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی شد و محمد سعیدی‌کیا، وزیر راه و ترابری. عبدالله نوری وزیر کشور بود و علی فلاحیان، وزیر اطلاعات. یونس اولیا به‌علاوه تورم بالایی که در جامعه به دلیل اجرای سیاست‌های تعدیل، نرخ ارز و واهمه‌ای که گرفته شد و مسائلی از دست وجود داشت؛ همه‌وهمه دستاوزی بود تا مخالفان توسعه اقتصادی و هاشمی و دولت تکوکراتش مبنی کاهش آرای آن در انتخابات سال ۹۲ داشته باشند چون باورشان نسبت به آقای هاشمی ایجاد شده بود، به راحتی‌ها بتوان از صحنه به در کرد. برهمین‌اساس هم بود که درست در زمانی که هاشمی می‌رفت تا در بهار ۷۲ با درگیر شاسی خود را برای انتخابات بیازماید رقبا و مخالفانش بر موج همین توم بالا سوار شدند و از کاهش آرای وی سخن گفتند. رقبای آن روزهای هاشمی که البته

فهم سیاسی مردم بالاست و این را بارها در سال‌های اخیر ثابت کرده‌اند. آنان عملکرد دولت را در سه‌سال‌ونیم گذشته با توجه به تنگناها و مسائلی که داشته تا حدی می‌دانند. به همین‌دلیل ظرف مقابل تلاش می‌کند پیش از انتخابات، کار را تمام کند؛ چون در جریان انتخابات، شانسی ندارد. کسانی که در جریان رقیب مطرح هستند، همتای آقای روحانی نیستند

البته من احتمال نمی‌دهم موضوعی مانند ردصلاحیت اساسا مطرح شود؛ چون اینها برای نظام هزینه‌های سنگینی دارد. ردصلاحیت فردی در اندازه آقای روحانی کمتر به ذهن می‌رسد.

یکی از موضوعاتی که احتمال آن داده می‌شود این است که اصولگرایان با چند کاندیدا با حمله همزمان به دکتر روحانی، وارد عرصه انتخابات شوند، آن را به مرحله دوم بکشانند و در مرحله دوم با یک نفر، مقابل ایشان قرار بگیرند. هدف آنان حمله‌های تند در مناظره‌های انتخاباتی است. به نظر شما با چه روشی باید با این مسئله مواجه شد؟

با هم برای رقابت با وی در انتخابات ریاست‌جمهوری ششم به توافق نرسیده بودند یا استراتژی کاهش رای خاطرات خود دارم‌باید رفت. برای اینکه مراجعه داشتند. اگرقاطرتر را برای چهار سال در کنار داشته باشند. اما اینها همه در شرایطی بود که در این دوره از انتخابات به جاه سیری‌شدن عمر نخستین دولت پس از جنگ، نظام خود را در وضع تثبیت‌شده‌تری می‌دید و اوضاع عادی‌تر از گذشته بود. بنابراین مردم جامعه بیشتر به فکر مسائل روزمره زندگی افتاده بودند. براین اساس، فضای سیاسی کشور و توان جناح‌های نظام هم به‌کلی تغییر کرده و نمود این تغییرات در صف‌آرایی نامزدهای انتخاباتی به چشم می‌خورد. اگرچه این استراتژی به باور خودش به مقدار زیادی از آراء من از دست می‌رود؛ گچه محتمل است این جا و رقابت، رای‌دهنده بیشتری داشته باشیم که همین جزو اهدافمان برای حضور در انتخابات کرد و همین مسئله را هم موجب کاهش آرای خود خواند. به این ترتیب به وی از نظر من حکم شرعی ندارد چون در شرع هم به پرهیز از تهمت و افترا و دروغ تاکید شده و اینها از کناهان کبیره است. مناظره به این سبک را به این دلیل شخصا مردود می‌دانم چراکه بیش از آنکه به صورت جریانی خاص باشد، به صورت نظام و مردم است. کمااینکه در مناظره سال ۸۸ احمدی‌نژاد وقتی از آن اتهامات بی‌اساس را به مقامات نظام زد، بلافاصله بی‌نصدر در پاریس از آن استقبال کرد و کفت ما سال‌ها کفتیم اینها هستند اما الان خودشان دارند می‌کویند. معمولا از رفتارهای افراد تندرو، مانفقان، سلطنت‌طلبان، رسانه‌های خارجی و اسرائیل بیشترین بهره را می‌برند